

۲۰ نکته در نقد سریال تلویزیونی لاست

۱- در سریال لاست که هم، گمشده معنا می‌دهد و هم گمشده‌ها، ۴۷ نفر زنده می‌ماند؛ که به تمدن‌های مختلف از تمامی قاره‌ها تعلق دارند. آنجایی هم که سقوط می‌کنند در جزایر هاوایی است که عین بهشت است، یعنی تمام این فیلم که کارت پستال است. القای اینکه بهشتی که مدنظر بود، همین است. در این فیلم برای شما یک بهشت ترسیم می‌شود برای تمامی تمدن‌های انسانی

۲- از تمدن اسلامی با یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون نفر یک نفر را آورده است. یک افسر شکنجه‌گر عراقی زمان صدام. اسم آن سعید جراح (Sayid Jarrah) که یک هنرپیشه بسیار فاسد آمریکایی است. این هنرپیشه یک رگش هندی است، یک رگش غربی است، همانند سلمان رشدی؛ این در زندگی خانوادگی‌اش یکی از فاسدترین هنرپیشه‌های غرب است. یعنی بک‌گراندی که مخاطب از او دارد، این را انتقال می‌دهد به جامعه اسلامی. یعنی نماینده‌ی یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون مسلمان، در آن جزیره جهانی این آدم است.

۳- نماینده کل ۲ میلیارد نفر شرقی "چینی‌ها، ژاپنی‌ها، ویتنامی‌ها، لائوسی‌ها و کره‌ای‌ها" یک زوج کره‌ای هستند.

۴- برای تمدن آمریکای لاتین اسپانیولی زبان هستند یک زنی را در فیلم به نام آنالوسیا (Ana Lucia Cortez) قرار داده‌اند که این زن در خود آمریکا در ایالت کالیفرنیا پلیس بوده است.

۵- برای تمدن آفریقایی ۳، ۴ سیاه پوست گذاشته، اما پنبه کار آنها را زده! یعنی اصلاً حل شدند در فرهنگ آمریکایی. می‌ماند بقیه که همه آنگلساکسون (Anglo-Saxons) هستند.

۶- از روسها یک نفر منفی که یک چشمش بسته است.

۷- از فرانسوی‌ها یک زنی به عنوان نماد فرانسه ایفای نقش می‌کند.

۸- بقیه دو قطب اصلی هستند؛ یهود که نماینده اصلی آن بنجامین (Linus Benjamin) است و بازیگر آن اصلاً یهودی است، از یهودیان اشکنازی که قیافه‌اش کاملاً یهودی است و اسمش هم یهودی است. این از یکی دستور می‌گیرد بنام جکوب (Jacob) که ما به آن یعقوب می‌گوییم. یک اسم یهودی است. یعنی پشت صحنه اداره جزیره جهانی، یهود است. بازیگران اصلی همه آنگلساکسون هستند، همه انگلیسی تبار هستند. یعنی آمریکایی، کانادایی و استرالیایی.

۹- جان لاک (John Locke) پدر لیبرالیسم است. نفر سوم این فیلم جان لاک است. تمام نکات اصلی کتابهای فلسفه لیبرالیسم را درآوردند و در دهان این آدم قرار دادند، در تمام این ۸۶ قسمت. مثلاً جمله معروف دارد که می‌گوید "این تو نیستی که می‌توانی به من بگویی که چکار نمی‌توانم بکنم" ببینید جمله پیچیدگی دارد. این تو نیستی که به من بگویی چکار نمی‌توانم بکنم. این را در این فیلم تا شماره ۵ آن ۵ بار تکرار می‌کند. یعنی شما از پای فیلم بلند می‌شوید بدون اینکه خودتان متوجه شوید دوره ایدئولوژی لیبرالیسم را گذرانید.

10- نقش اول فیلم یک آمریکایی است به نام "جک شفرد (Jack Shephard)" یعنی **چوپان**.

مسیحی‌ها معتقدند که هرکسی مسئولیت دارد، **چوپان گله** است. یعنی از اول صحنه که هواپیما سقوط کرده، چوپانی گله را شروع می‌کند. اسم پدرش "کریستین شفرد" است. کریستین (Christian) یعنی مسیحی. **چوپان مسیحی**. این انسان تراز لیبرالیسم است. انسان باکلاس لیبرالها. بلافاصله انسان منفی لیبرالها را معرفی می‌کند. یعنی ساویر. (Sawyer) از داستان "تام ساویر" این عنوان را گرفته است. ساویر، انسان تراز پایین است.

۱۱- سان (Sun) که در زبان انگلیسی خورشید معنا می‌دهد، نماد سرزمینهای شرقی است و دنیله (Danielle Rousseau) هم نماد سرزمین فرانسه است. نسبت اینها چگونه تعریف می‌شود؟

چرا این فیلم جذابیت دارد و خط تعلیقش را جوانها دنبال می‌کنند؟ تعلیق یعنی پادرها بودن. فیلمی اگر تعلیق داشته باشد می‌گویند، کشش دارد. خط تعلیق فیلم به خاطر این ۵،۶ کاراکتر است.

عشق مثلثی، جک با ساویر نسبت به کیت. یعنی جک که که چوپان اینهاست و انسان لیبرال تراز آنهاست و ساویر که لمپن آن جامعه است

۱۲- در این فیلم و در این جزیره یک عدد رمزی وجود دارد که باید صفرش بکنند. عدد "۱۰۸" مدام این کنتور می‌اندازد یک تأسیساتی زیر جزیره پیدا می‌کنند که اگر این کار را انجام ندهند جهان منهدم و متلاشی می‌شود. آن عدد ۱۰۸ را وقتی در سایت اصلی فیلم لست می‌بینید، می‌گویند این عدد را از بودا گرفته‌اند.

در اندیشه بودائیسیم و هندوئیسم ۱۰۸ گناه وجود دارد. یعنی هر کدام یک دقیقه است و هر ۱۰۸ دقیقه یکبار باید اینها رمزی را وارد کنند که جهان منهدم نشود. چه کسی قبلاً پای کامپیوتر بود؟ هیوم ملحد انگلیسی، از اینجا به بعد جان لاک و جک می‌نشینند پای کامپیوتر کارشان این است که هر ۱۰۸ دقیقه که این کنتور

می‌اندازد یعنی هر ۱۰۸ باری که بشر یک دور همه گناهان را انجام می‌دهد اینها هستند که نمی‌گذارند جهان متلاشی شود. القا از این آشکارتر؟ در هیچ کار سینمای اینها انجام نداده بودند.

۱۳- نگاره‌هایی که اسلام با آنها تمدن سازی می‌کند "تقوا"، "حیا"، "ایمان" و "یقین" است. در این فیلم‌ها هر چهار انگاره، مورد هجوم قرار می‌گیرد. من برای اینکه نقد فیلم لاست را جاهای مختلف انجام می‌دهم، دوبار مجبور شدم کامل ببینم و ابعاد مختلف آن را ارزیابی کنم. واقعاً اگر ما یک روز جوانانمان در هنر سینما به جایی برسند که جامعه آرمانی موردنظر جمهوری اسلامی و اسلام و انسانهای تراز اسلام و قرآن را با این ابعاد و هنر بتوانند انجام دهند، اندازه میلیونها جلسه سخنرانی و هزاران منبر و صدها کتاب ارزش دارد. ولی لیبرالیسم آمده حیازدایی، مقابله با تقوا، اصالت خرافه و جادو، تثبیت اینکه شما هر ۱۰۸ گناه را انجام دهید ما آنگلو ساکسون‌ها نشستیم پای آن و دنیا را رست می‌کنیم، صفر می‌کنیم تا از نو شروع شود.

۱۴- از صفر تا ۱۰۰، انسانهای تراز لیبرالیسم را معرفی کرده است یعنی شما هرچه در سرزمین خود بودید آن را رها کنید! در تفکر لیبرالی وقتی آمدی اینجا حالا استعداد خود را بروز بده. اول سردر تمام فرودگاه‌های آمریکا وقتی پیاده شوید این جمله نوشته شده است: "آمریکا سرزمین فرصت‌ها". یعنی این سرزمین، سرزمین فرصت‌هاست. اگر پیاده شدی کار نداریم که در دنیای قبل تو چه بودی، بارها در این فیلم این جمله تکرار می‌شود، لذا هرکس امکان دارد استعداد خود را بروز دهد. یعنی لیبرالیسم از صفر آن "سایر" و ۱۰۰ آن "جک شفر" که چوپان اینهاست.

۱۵- لاک در القای غیرمستقیم کامل متوجه شدید. نفر بعدی که نقشش خیلی مهم است در این فیلم دزموند (Desmond Hume)، یا دیوید هیوم (David Hume) همان که کانت (Immanuel Kant) می‌گوید "این مرا از خواب جزمی بیدار کرد" کسی که رسماً می‌گوید من ملحد؛ یعنی پدر امپیریسم (Empiricism) پدر حس‌گرایی، یعنی هرچه در حس و تجربه نگنجید، باورپذیر نیست. پدر فلسفه انگلیس؛ اینقدر علنی اعلام کردند که این جزیره جهانی است، هرکدام از تمدنها یک درصدی دارند اما مدیران این تمدن که با یکدیگر دعوا می‌کنند، انسانهای لیبرال آمریکایی و انگلیسی هستند.

۱۶- ده زن اصلی که در این سریال است اولین که مهمترین آنهاست "کیت" (Kate) است. این دختر یک موسیونر (missioner) مذهبی بوده است. فامیلی اصلی او، لیلی اوانجلین (Evangeline Lilly) است. مدتی در فیلیپین بوده که برود موسیونر مذهبی شود. این کانادایی الاصل است.

۱۷- زن دوم یک زن آمریکایی است به نام "ژولیت" (Juliet Burke) که این کارش در جزیره که هیچ بچه ای به دنیا نمی آید تلاش می کند در این جزیره بچه به دنیا بیاورد و هر زنی که حامله شود، می میرد. وقتی یهودیان او را می آورند این جزیره به خاطر این است که زاد و ولد تمدنی ایجاد کند. زن یادتان باشد نماد سرزمین است. کسانی که تصرف می شوند.

۱۸- زن سوم اسمش "کلیر" (Claire Littleton)، هنرپیشه استرالیایی است. تنها کسی که در این جزیره حامله است و بچه به دنیا می آورد و به عنوان تنها تمدنی که زاد و ولد می کند و در آینده باقی می ماند این زن است و اسم بچه او "هارون" (Aarun) است. هارون در نگاه ما برادر "موسی (ع)" است، در کارکردی که وقتی موسی علیه السلام می رود کوه طور و برمی گردد، وقتی اینها گوساله پرست می شوند می گوید زورم به آنها نرسید. اما در یهود و مسیحیت هارون همان کسی است که "گوساله" را ساخت. تکرار می کنم هارون در اندیشه مسیحی و یهودی کسی است که خود سامری است یعنی آن گوساله را ساخت. تا برادرش رفت کوه طور و برگشت همه را گوساله پرست کرد. تنها کسی که در تمدن بشری باقی می ماند و از آنگلساکسون هاست، سامری است

۱۹- زن بعدی، زنی است به نام "پنلوپه" (Penelope) در اندیشه یونانی یعنی زن وفادار. کسی است که تا وقتی شوهرش اودیسیوس رفت جنگ و برگردد ۱۰۸ خواستگار داشت، ماند به پای شوهرش. انگلیس کشوری بود که ریخت در دریاها و سرزمین ها را گرفت. در این جزیره، کسی که بدون هواپیما آمده باشد، هیوم است. هیوم، پدر فلسفه انگلیس و پنلوپه نماد سرزمین و عقیده انگلیس که نمی خواهد غیر از خود هیوم با کس دیگری ازدواج کند، با یک کشتی سه سال در به در دنبال هیوم می آید. زنی وفادار و آخر فیلم هم او افراد را از جزیره نجات می دهد. پدرش لرد (Lord) است. انگلیسیها طبقه اشراف دارند. نماد سرزمین انگلیس که به غیر از دیوید هیوم به کسی توجه ندارد.

۲۰- زن بعدی آنگلساکسون شانون (Shannon Rutherford) است. هتل هیلتون در تمام دنیا را می شناسید. این شخص، دختری داشته که مانکن و بسیار زن فاسدی است. نماد بخشی از زندگی آمریکایی با هیکلی مشابه هیکل باری، شانون است. این پسر مسلمان، عاشق این می شود و در فیلم این القا را می کند که انسان مسلمان، فقط در علاقه و تصرف سرزمین غرب فقط حق دارد با بخش "لمپن" سرزمین غرب ارتباط برقرار کند. بسیاری از جذابیت هایی که غرب برای جوانهای ما دارد جذابیت های بخش لمپنی غرب است، نه جذابیت های به درد بخور غرب.